

التحفة اللطيفة: شمس الدين السخاوي (م. ۹۰۲ق.)، بيروت، دار الكتب العلمية، ۱۴۱۴ق؛
جامعه شيعه ناوله در مدينه منوره: ورنراند،
ترجمه: جعفریان، قم، دليل ما، ۱۳۷۹ش؛ الدرر
الكامنه: ابن حجر العسقلاني (م. ۸۵۲ق.)، به
كوشش محمد عبدالمعید، هند، مجلس دائرة
المعارف العثمانيه، ۱۹۷۲م؛ عمدة الطالب: ابن
عنه (م. ۸۲۸ق.)، به كوشش محمد حسن، نجف،
المكتبة الحيدريه، ۱۳۸۰ق؛ الكامل في التاريخ:
ابن اثير علي بن محمد الجزري (م. ۶۳۰ق.)،
بيروت، دار صادر، ۱۳۸۵ق؛ المنتظم: ابن الجوزي
(م. ۵۹۷ق.)، به كوشش محمد عبدالقادر و
ديگران، بيروت، دار الكتب العلمية، ۱۴۱۲ق.

منصور داداش نژاد



آمنه بنت وهب: مادر گرامی پیامبر

اکرم ﷺ و از دفن شدگان در ابواء میان مکه و

مدینه

آمنه دختر وهب بن عبد مناف بن زهره بن
کلاب از تیره بنی زهره از قبیله قریش بود^۱ که
نسب او در کلاب جد پنجم پیامبر ﷺ به وی
می پیوندد. پدرش وهب از بزرگان و شریفان
بنی زهره بود.^۲ مادرش بُرّه دختر عبدالعزی از
خاندان بنی عبدالدار بود^۳ که در عبدمناف جد
سوم پیامبر ﷺ به او می پیوندد. از این روی، به

۱. الطبقات، ج ۱، ص ۴۹؛ انساب الاشراف، ج ۱، ص ۹۹.

۲. السیره النبویه، ج ۱، ص ۷۲؛ الطبقات، ج ۱، ص ۴۹.

۳. السیره النبویه، ج ۱، ص ۷۲؛ الطبقات، ج ۱، ص ۴۹.

«زهریه» معروف بوده است.^۴
زمان دقیق تولد او مشخص نیست؛ اما
گفته اند: هنگام خواستگاری عبدالله از وی در
سال نخست عام الفیل ۲۴ سال داشته است.^۵ بنا
براین، زمان تقریبی تولد او ۶۴ سال قبل از
بعثت بوده است. آمنه تنها فرزند پدر و مادرش
بود و از این رو معروف است که پیامبر ﷺ
دایی و خاله ندارد.^۶ برخی منابع از سرپرستی
عمویش وهیب و زندگی آمنه در خانه وی
گزارش داده^۷ و علت آن را درگذشت پدرش
یاد کرده اند؛^۸ اما این خبر قطعی نیست. او را از
برترین زنان قریش برشمرده اند.^۹ گفته اند
آن گاه که داشتن دختر برای شماری از اعراب
مایه ننگ و شرمساری بود، آمنه در میان قوم و
خاندان خود احترام ویژه ای داشت.^{۱۰}

درباره چگونگی آشنایی و ازدواج آمنه با
عبدالله و نیز رخدادهای پس از ازدواج،
گزارش هایی مختلف در منابع ذکر شده است.
بر پایه یکی از این گزارش ها، وهب پدر آمنه
پس از دیدن شجاعت عبدالله در برابر یهودیان و

۴. امتاع الاسماع، ج ۴، ص ۴۰-۴۱؛ بحار الانوار، ج ۱۵، ص ۱۱۵.

۵. نک: تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۹-۱۰.

۶. اعلام الوری، ج ۱، ص ۲۸۵.

۷. الطبقات، ج ۱، ص ۷۶؛ نک: دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۲،

ص ۲۱۷.

۸. سیره المصطفی، ص ۴۰.

۹. تاریخ طبری، ج ۲، ص ۲۴۳.

۱۰. البداية و النهایه، ج ۱، ص ۳۰۷.

نوفل^۹ یا لیلی عدویه^{۱۰} به او شده بود. آن‌ها که خواستار این نور بودند، به عبدالله پیشنهاد ازدواج یا همبستری می‌دادند. پس از ازدواج با آمنه، این نور دیگر در چهره عبدالله دیده نشد و به آمنه منتقل گشت.^{۱۱} از این رو، پس از زفاف، آن زنان دیگر خواسته خود را تکرار نکردند. برخی از منابع علت دشمنی یهود با عبدالله و تصمیم آنان برای کشتن او را مشاهده همین نور دانسته‌اند.^{۱۲}

برخی از معاصران با ادله و شواهد مختلف، همچون سبک افسانه‌گونه این گزارش‌ها، ضعف سند همه آن‌ها، وجود افرادی مانند کعب الاحبار در سند برخی از این اخبار، تناقض آن‌ها با یکدیگر، وجود رگه‌های یهود ستیزی که بعدها در منابع سیره‌ای راه یافته، نبود یهودیان در مکه، سازگار نبودن برخی از این گزارش‌ها با شأن و مقام عبدالله که در آن‌ها تمایل به خواسته زنان پیشنهاد دهنده مطرح شده است و نیز عدم نقل و شهرت تاریخی این اخبار تا قرن‌ها بعد، به نقد و رد آن‌ها پرداخته‌اند.^{۱۳}

نیز لطف ویژه الهی به او، همسرش را برای خواستگاری از عبدالله نزد عبدالمطلب می‌فرستد.^۱ اما بر پایه گزارش‌های دیگر، عبدالمطلب خود همراه عده‌ای از خویشان به خانه وهب رفته، از آمنه برای عبدالله خواستگاری می‌کند و سپس خطبه عقد را جاری ساخته، چهار روز ولیمه می‌دهد.^۲ برخی منابع این خواستگاری را در خانه وهب، عمومی آمنه، ذکر کرده‌اند.^۳ میزان مهریه را ۱۰۰۰ مثقال نقره به صورت نقد و ۱۰۰۰ مثقال طلا به صورت مؤجّل دانسته‌اند.^۴ برخی از برپایی مراسم عروسی در خانه عبدالمطلب سخن گفته‌اند.^۵

دوران بارداری وی و تولد پیامبر ﷺ نیز آمیزه‌ای از گزارش‌های مختلف را در بر دارد. در شماری از گزارش‌های همسو، از وجود نوری خاص در پیشانی عبدالله از آغاز تولدش^۶ تا زمان زفاف، سخن به میان آمده که سبب ابراز تمایل برخی از زنان همچون زنی خثعمی^۷، فاطمه خثعمیه^۸، خواهر ورقه بن

۱. بحار الانوار، ج ۱۵، ص ۹۴-۹۹.

۲. اسد الغابه، ج ۱، ص ۱۳؛ بحار الانوار، ج ۱۵، ص ۹۹-۱۰۳.

۳. الطبقات، ج ۱، ص ۷۶.

۴. الانوار، ص ۷۸.

۵. تاریخ طبری، ج ۲، ص ۵.

۶. الامالی، ص ۳۳۶.

۷. الطبقات، ج ۱، ص ۷۶-۷۷؛ تاریخ دمشق، ج ۳، ص ۴۰۵؛ مناقب

آل ابی طالب، ج ۱، ص ۲۶.

۸. الانوار، ص ۷۶؛ امتاع الاسماع، ج ۴، ص ۳۹.

۹. تاریخ طبری، ج ۲، ص ۶؛ بحار الانوار، ج ۱۵، ص ۱۱۴.

۱۰. دلائل النبوه، ج ۱، ص ۱۰۵.

۱۱. الامالی، ص ۳۳۶.

۱۲. الانوار، ص ۶۲.

۱۳. نقد و بررسی گزارش‌های زندگانی پیش از بعثت پیامبر ﷺ

درباره آغاز زمان بارداری آمنه نیز گزارش‌های مختلف در دست است. در روایتی زمان بارداری وی ایام تشریق، یازدهم و دوازدهم و سیزدهم ذی‌حجه، کنار جمره وسطی و در خانه عبدالمطلب بیان شده است.^۱ اما این گزارش درخور نقد است؛ زیرا اولاً خانه عبدالمطلب نزدیک کعبه و زمزم بوده است.^۲ ثانیاً با توجه به ولادت پیامبر ﷺ در ربیع الاول، مدت حمل آن حضرت ﷺ باید سه ماه یا یک سال و سه ماه بوده باشد که محال است. از این رو، برخی از دانشمندان با استناد به مسئله نسیء احتمال داده‌اند که حج آن سال در جمادی الاولی یا جمادی الثانیه واقع شده باشد.^۳ اما برخی از محققان به نقد این احتمال پرداخته‌اند؛ زیرا ورود این‌گونه روایات بر مبنای نسیء نیازمند اثبات است. افزون بر آن، تطبیق روایات معصومان، محدثان و مورخان بر نسیء که عملی کفرآمیز بوده، کاری نامتعارف است.^۴ بر پایه گزارشی، آغاز بارداری در یک روز جمعه از ماه رجب و مکان آن شعب ابی‌طالب بوده است.^۵ بلند شدن ندا در هفت آسمان و زمین و

اعلان آبتنی آمنه به پیامبر ﷺ؛ مشاهده نوری به چشم آمنه پس از حمل که در آن کاخ‌های بُصری، شهری در جنوب شرقی دمشق، نمایان بود؛^۶ باردار شدن همه چارپایان قریش؛^۷ سرنگون شدن تخت همه پادشاهان دنیا و لال شدنشان؛^۸ معرفی آن سال به عنوان سال فتح و شادی^۹ و تبریک گویی کوه‌ها، درختان و آسمان‌ها به یکدیگر^{۱۰}؛ از دیگر گزارش‌های مربوط به این رخداد و درخور نقد و بررسی سندی و محتوایی هستند.^{۱۱} بر پایه گزارش‌های تأیید شده، آمنه پس از ازدواج به خانه عبدالله در شعب بنی‌هاشم منتقل شد که بعدها به شعب ابی‌طالب یا شعب علی معروف گشت^{۱۲} و فرزند خود را همان جا در مکانی که بعدها مولد النبی ﷺ نام گرفت^{۱۳} به دنیا آورد.^{۱۴} بر پایه برخی نقل‌ها، در آن هنگام، شوهرش عبدالله در بازگشت از سفر تجاری خود از شام، در یرب وفات یافته بود.^{۱۵} گزارش‌هایی از وفات عبدالله

۶. الامالی، ص ۶۹۸؛ روضة الواعظین، ص ۶۷

۷. السیرة النبویه، ج ۱، ص ۱۰۳؛ الکامل، ج ۱، ص ۴۵۹

۸. شرف النبی، ص ۲۸

۹. شرف النبی، ص ۲۸

۱۰. شرف النبی، ص ۲۸

۱۱. نك: معالم الزلفی، ص ۳۷۱-۳۸۰

۱۲. نقد و بررسی گزارش‌های زندگانی پیش از بعثت پیامبر ﷺ، ص ۹۲-۹۶

۱۳. نك: مکه در بستر تاریخ، ص ۶۳

۱۴. میقات، ش ۲۱، ص ۱۱۰، «محل ولادت رسول خدا ﷺ»

۱۵. الکافی، ج ۱، ص ۴۳۹

۱۶. تاریخ طبری، ج ۱، ص ۵۷۹

۱. الکافی، ج ۱، ص ۴۳۹؛ الدر النظیم، ص ۵۸

۲. نك: میقات، شماره ۳، ص ۱۶۶، «آثار قاضی عسکر»

۳. بحار الانوار، ج ۱۵، ص ۲۵۲

۴. الصحیح من سیرة النبی، ج ۲، ص ۶۴-۶۵

۵. امتاع الاسماع، ج ۱، ص ۶

دو ماه^۱، یک سال یا ۲۸ ماه^۲ پس از تولد فرزندش نیز در دست است. پس از تولد پیامبر ﷺ آمنه تنها هفت روز^۳ به فرزند خود شیر داد و سپس مدتی کوتاه ^{تویبه}* کنیز ابولهب^۴ چنین کرد. آن گاه به دستور عبدالمطلب، او را به حلیمه سعدیه^۵ سپردند تا وی را به عادت بزرگان اهل مکه در بیابان پرورش دهد.^۶ حلیمه محمد را در پنج سالگی به مکه بازگرداند و به مادرش سپرد.^۷ محمد شش سال و سه ماه داشت که آمنه او را برای دیدار دایی‌های پدری‌اش از بنی‌النجار به یثرب برد.^۸ او در مدت اقامت یک ماهه خود در یثرب، در خانه نابغه، محل وفات و دفن عبدالله، به سر می‌برد.^۹ گفته‌اند پیامبر ﷺ هنگام هجرت به مدینه، چون نگاهش به محله بنی‌النجار افتاد، فرمود: مادرم مرا همراه خود به همین جا آورد و قبر پدرم عبدالله این جاست.^{۱۰} آمنه در حالی که همراه فرزندش و خادمه‌اش ام ایمن از یثرب بازمی‌گشت و حدود سی سال داشت، در سرزمین ابواء^{۱۱} در

۴۵ کیلومتری راه جحفه از سمت مدینه^{۱۲} به سبب بیماری درگذشت^{۱۳} و همان جا به خاک سپرده شد.^{۱۴} (تصویر شماره ۶) محل دفن وی را مقبره حجون^{۱۵} و شعب ابی‌ذر^{۱۶} هر دو در مکه نیز دانسته‌اند؛ اما قول نخست مشهورتر است. تا زمان دولت عثمانی بقعه‌ای بر قبر وی در ابواء و نیز بقعه‌ای به نام آرامگاه او در قبرستان حجون موجود بوده که هر دو در روزگار تسلط وهابیان ویران شد.^{۱۷}

از شواهد قول نخست آن است که بر پایه گزارشی، مشرکان مکه در زمان حمله به مدینه برای جنگ احد، هنگام گذر از ابواء بر آن شدند تا قبر آمنه را نبش کنند؛ اما ابوسفیان با این توجیه که ممکن است مسلمانان مقابله به مثل کنند، آنان را از این کار بازداشت.^{۱۸} نیز در سال ششم هجری و هنگام حرکت پیامبر ﷺ و سپاهش برای انجام عمره، ایشان در ابواء فرمود: خداوند به من اجازه داده است که به زیارت مزار مادرم بروم. سپس کنار قبر مادر رفت و به یاد

۱. امتاع الاسماع، ج ۱، ص ۹.

۲. الطبقات، ج ۱، ص ۸۰ اسد الغابه، ج ۱، ص ۱۳.

۳. امتاع الاسماع، ج ۱، ص ۹.

۴. تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۹.

۵. الطبقات، ج ۱، ص ۸۹-۹۰: بحار الانوار، ج ۱۵، ص ۳۷۴.

۶. الطبقات، ج ۱، ص ۹۰.

۷. السیره النبویه، ج ۱، ص ۱۰۹؛ تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۰.

۸. السیره النبویه، ج ۱، ص ۱۰۹؛ تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۰.

۹. الطبقات، ج ۱، ص ۹۳-۹۴: سبل الهدی، ج ۲، ص ۱۲۰.

۱۰. آثار اسلامی مکه و مدینه، ص ۳۹۲.

۱۱. السیره النبویه، ج ۱، ص ۱۰۹؛ تاریخ یعقوبی، ج ۱، ص ۱۰؛ اعلام الوری، ج ۱، ص ۵۲.

۱۲. السیره النبویه، ج ۱، ص ۱۰۹؛ الطبقات، ج ۱، ص ۹۳-۹۴.

۱۳. الخصائص، ص ۴۵۱.

۱۴. تاریخ طبری، ج ۱، ص ۵۷۹؛ الکامل، ج ۱، ص ۴۶۷.

۱۵. آثار اسلامی مکه و مدینه، ص ۳۹۲.

۱۶. المغازی، ج ۱، ص ۲۰۶.

مهربانی‌های وی گریست.^۱ این گونه شواهد تاریخی که صحت، شهرت و استواری بیشتری دارند، در کنار دیگر قراین تفسیری و حدیثی^۲ ادعای برخی از اهل سنت را درباره ایمان نداشتن آمنه باطل می‌سازد. تنها دلیل این گروه، حدیثی از عطیه در شأن نزول آیه ۱۱۳ توبه/۹ است: «مَا كَانَ لِلنَّبِيِّ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَنْ يَسْتَغْفِرُوا لِلْمُشْرِكِينَ وَلَوْ كَانُوا أُولَىٰ قُرْبَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُمْ أَصْحَابُ الْحَجِيمِ»؛ «پیامبر و مؤمنان را شایسته نبود که برای مشرکان آمرزش بخواهند، آن هم پس از این که بر ایشان روشن شد که این گروه اهل دوزخ‌اند.» در این حدیث، بر خلاف مشهور^۳ قبر آمنه در مکه دانسته شده و آمده است: هنگامی که پیامبر ﷺ به مکه رسید، بر قبر مادرش ایستاد، بدان امید که خدا به او اذن دهد تا برای وی آمرزش طلبد؛ ولی خداوند اجازه نداد. مورخانی چون ابن اسعد^۴ به نادرستی این گزارش تصریح کرده و برخی همانند ابن کثیر آن را حدیثی غریب^۵ دانسته و دانشمندانی از اهل سنت در سند و متن این گونه روایات مناقشه کرده و آن‌ها را ضعیف

شمرده‌اند.^۶ باتوجه به این قراین، برخی بر این باورند که گزارش‌های بیانگر ایمان نداشتن آمنه از بر ساخته‌های امویان است که خود از خاندان و نیاکانی پاک و خوشنام محروم بوده‌اند.^۷ درباره دین آمنه رضی الله عنها شیعه همواره بر این باور بوده است که وی اعتقادی توحیدی داشته و از مؤمنان به کیش ابراهیمی بوده و در روز قیامت، در زمره مؤمنان محشور می‌شود. علمای شیعه از آیاتی متعدد برای اثبات این سخن بهره برده‌اند؛ از جمله آیه ۲۱۹ شعر/۲۶: «وَتَقَبَّلَكَ فِي السَّاجِدِينَ»؛ «و به انتقال تو در اهل سجود [آگاه است]» و نیز روایاتی پرشمار از پیامبر ﷺ و اهل بیت رضی الله عنهم که خداوند حمل پیامبر ﷺ را در بهترین رحم قرار داده^۸ و آن را از آتش جهنم دور داشته است.^۹ برخی از دانشمندان اهل سنت نیز این دیدگاه را تأیید می‌کنند؛ مانند عبدالرحمن سیوطی (م. ۹۱۱ق.). که کتابی در اثبات ایمان آمنه به نام *الفوائد الكامنة في إيمان السيدة آمنه و التعظيم و المنة في ابن ابی النبی فی الجنة* نگاشته و دیدگاه بسیاری از شخصیت‌های بزرگ همانند فخر رازی^{۱۰} را با خود همسان شمرده است.^{۱۱}

۱. اعلام الوری، ج ۱، ص ۵۲-۵۳؛ البداية والنهاية، ج ۲، ص ۳۴۱؛ السيرة الحلیبه، ج ۱، ص ۱۷۳.
۲. بحار الانوار، ج ۱۵، ص ۱۱۷؛ ج ۳۵، ص ۱۰۹.
۳. جامع البیان، ج ۱۱، ص ۵۸.
۴. الطبقات، ج ۱، ص ۹۴.
۵. البداية والنهاية، ج ۴، ص ۳۴۱.

۶. نک: دائرة المعارف قرآن کریم، ج ۱، ص ۳۲۲-۳۲۳.

۷. دائرة المعارف قرآن کریم، ج ۱، ص ۳۲۲-۳۲۳.

۸. الامالی، ص ۷۲۳؛ الاحتجاج، ج ۱، ص ۲۱۲.

۹. الکافی، ج ۱، ص ۴۴۶؛ الامالی، ص ۷۰۳.

۱۰. التفسیر الکبیر، ج ۲۴، ص ۱۷۴.

۱۱. الفوائد، ص ۱۶، ۹۰.

◀ منابع

آثار اسلامی مکه و مدینه: رسول جعفریان، قم، مشعر، ۱۳۸۶ش؛ الاحتجاج: ابومنصور الطبرسی (م. ۵۲۰ق)، به کوشش سید محمد باقر، دار النعمان، ۱۳۸۶ق؛ اسد الغابه: ابن اثیر علی بن محمد الجزری (م. ۶۳۰ق)، بیروت، دار الکتاب العربی؛ اعلام الوری: الطبرسی (م. ۵۴۸ق)، قم، آل البیت (ع)، ۱۴۱۷ق؛ الامالی: الصدوق (م. ۳۸۱ق)، قم، البعثه، ۱۴۱۷ق؛ امتاع الاسماع: المقریزی (م. ۸۴۵ق)، به کوشش محمد عبدالحمید، بیروت، دار الکتاب العلمیه، ۱۴۲۰ق؛ انساب الاشراف: البلاذری (م. ۲۷۹ق)، به کوشش زکار، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۷ق؛ الانوار فی مولد النبی محمد (ع): عبدالله بکری (م. ۵۲۶ق)، به کوشش فضال، رضی، قم، ۱۴۱۱ق؛ بحار الانوار: المجلسی (م. ۱۱۱۰ق)، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق؛ البدايه والنهائيه: ابن کثیر (م. ۷۷۴ق)، به کوشش علی شیری، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ق؛ تاریخ طبری (تاریخ الامم و الملوک): الطبری (م. ۳۱۰ق)، به کوشش گروهی از علما، بیروت، اعلامی، ۱۴۰۳ق؛ تاریخ یعقوبی: احمد بن یعقوب (م. ۲۹۲ق)، بیروت، دار صادر، ۱۴۱۵ق؛ تاریخ مدینه دمشق: ابن عساکر (م. ۵۷۱ق)، به کوشش علی شیری، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۵ق؛ التفسیر الکبیر: الفخر الرازی (م. ۶۰۶ق)، قم، دفتر تبلیغات، ۱۴۱۳ق؛ جامع البیان: الطبری (م. ۳۱۰ق)، به کوشش صدقی جمیل، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۵ق؛ الخصائص الفاطمیه: محمد باقر الکجوری (م. ۱۳۱۳ق)، به کوشش سید علی جمال، الشریف الرضی، ۱۳۸۰ش؛ دائرة المعارف بزرگ اسلامی: زیر نظر بجنوردی، مرکز دائرة المعارف بزرگ، تهران، ۱۳۷۲ش؛

دائرة المعارف قرآن کریم: مرکز فرهنگ و معارف قرآن، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۶ش؛ الدر النظیم: ابن حاتم العالمی (م. ۶۴۶ق)، قم، النشر الاسلامی؛ دلائل النبوه: البیهقی (م. ۴۵۸ق)، به کوشش عبدالمعطی، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۰۵ق؛ روضة السواعظین: الفتال النیشابوری (م. ۵۰۸ق)، به کوشش سید محمد مهدی، قم، الرضی؛ سبل الهدی: محمد بن یوسف الصالحی (م. ۹۴۲ق)، به کوشش عادل احمد و علی محمد، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۴ق؛ السیره الطلیبه: الحلبي (م. ۱۰۴۴ق)، بیروت، دار المعرفه، ۱۴۰۰ق؛ سیره المصطفى نظرة جدیده: هاشم معروف الحسنی (م. ۱۴۰۴ق)، بیروت، دار التعارف، ۱۴۱۶ق؛ السیره النبویه: ابن هشام (م. ۸-۲۱۳ق)، به کوشش محمد محیی الدین، مصر، مکتبه محمد علی صبیح و اولاده، ۱۳۸۳ق؛ شرف النبی (ع): ابوسعید واعظ خرگوشی (م. ۴۰۶ق)، به کوشش روشن، تهران، بابک، ۱۳۶۱ش؛ الصحیح من سیره النبی (ع): جعفر مرتضی العاملی، بیروت، دار السیره، ۱۴۱۴ق؛ الطبقات الكبرى: ابن سعد (م. ۲۳۰ق)، به کوشش محمد عبدالقادر، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۸ق؛ الفوائد الكامنه: السيوطی (م. ۹۱۱ق)، ریاض، مکتبه الساعی، ۱۴۰۸ق؛ الکافی: الكلینی (م. ۳۲۹ق)، به کوشش غفاری، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۵ش؛ الکامل فی التاريخ: ابن اثیر علی بن محمد الجزری (م. ۶۳۰ق)، بیروت، دار صادر، ۱۳۸۵ق؛ معالم الزلفی فی معارف النشأة الاولى و الاخری: سید هاشم بحرانی (م. ۱۱۰۷ق)، تهران؛ المغازی: الواقدی (م. ۲۰۷ق)، به کوشش مارسدن جونز، بیروت، اعلامی، ۱۴۰۹ق؛ مکه در بستر تاریخ: نعمت الله صفری، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۶ش؛ مناقب آل ابی طالب: ابن شهر آشوب (م. ۵۸۸ق)، به

کوشش گروهی از اساتید، نجف، المكتبة الحیدریه، ۱۳۷۶ق؛ میقات حج (فصلنامه): تهران، حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت؛ نقد و بررسی گزارش‌های زندگانی پیش از بعثت پیامبر ﷺ: رمضان محمدی، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۷ش.

صدیقه شاکری حسین‌آباد



آمیزش: در آمیختن جنسی با دیگری؛ از

محرمات احرام

واژه «آمیزش» اسم مصدر از آمیختن به مفهوم امتزاج، اختلاط، ترکیب شدن و معاشرت کردن با دیگران است.^۱ در کاربرد رایج، به مباشرت جنسی انسان با انسان یا حیوان دیگر، آمیزش گفته می‌شود.^۲ از این مفهوم، در قرآن و حدیث و منابع فقهی با واژگان و تعبیری گوناگون مانند مجامعت، جماع، مواقعه، وطی، ایلاج، مس، لمس، تعشی، اتیان، مباشرت، دخول، رفت، طمٹ، نکاح، إفضاء، قضاء و طهر و غشیان یاد شده است.^۳ آمیزش در شریعت اسلامی بر دو گونه

است: ۱. حلال؛ یعنی آمیزش مرد و زن با تحقق اسباب شرعی آن که عبارت است از: ازدواج اعم از دائم و موقت، ملک یمین و تحلیل کنیز از سوی مولا.^۴ آمیزش به شبهه یعنی آمیزش مرد با زن بیگانه به گمان این که همسر یا کنیز خود اوست، نیز از منظر فقیهان حلال به شمار می‌رود.^۵ ۲. حرام؛ یعنی آمیزش انسان با دیگری بدون تحقق اسباب شرعی یا با وجود مانع شرعی. گاه این حرمت ذاتی است؛ مانند آمیزش مرد و زن بدون عقد شرعی و ملک یمین (زنا)، آمیزش مرد با همجنس خود (لواط) و آمیزش انسان با حیوان. گاه نیز حرمت آمیزش عرَضی است؛ مانند آمیزش انسان با همسر خود در حال حیض یا نفاس، روزه واجب، اعتکاف و احرام. در چنین مواردی آمیزش افزون بر حرمت، آثاری وضعی مانند بطلان عبادت^۶ (روزه، اعتکاف و حج) و کفاره و تعزیر^۷ نیز در پی دارد. این مقاله تنها به احکام تکلیفی و وضعی آمیزش در حال احرام می‌پردازد. (برای دیگر تمتعات جنسی در حال احرام ← التذاذ جنسی، خود ارضایی)

۴. المبسوط، طوسی، ج ۴، ص ۲۰۸.

۵. المبسوط، طوسی، ج ۵، ص ۲۲۰؛ ایضاح الفوائد، ج ۳، ص ۲۶۲.

۶. نک: جواهر الکلام، ج ۱۶، ص ۲۱۹-۲۲۳، ۳۰۸-۳۰۹، ج ۱۷، ص ۲۰۷؛ الفقه الاسلامی، ج ۲، ص ۶۵۲، ۶۶۱، ۶۷۱، ۶۷۶، ج ۳، ص ۱۷۲۷-۱۹۲۹، ۱۷۶۲-۱۷۶۳.

۷. جواهر الکلام، ج ۱۷، ص ۲۰۸-۲۰۹.

۱. لغت نامه، ج ۱، ص ۱۶۳؛ فرهنگ بزرگ سخن، ج ۱، ص ۱۶۳، «آمیزش».

۲. لغت نامه، ج ۱، ص ۱۶۳؛ فرهنگ فارسی، ج ۱، ص ۹۳.

۳. نک: دائرة المعارف قرآن کریم، ج ۱، ص ۲۲۳-۳۲۴؛ دانشنامه

چهار اسلام، ج ۲، ص ۱۳۴، «باه».